

۴۰۰ جامعه

کوتاه از جامعه

ثبت‌نام کنکور دکتری۱۴۰۰

فقط تا امروز

فرآیند ثبت‌نام کنکور دکتری ۱۴۰۰ ساعت ۲۴ امشب در درگاه سازمان سنجش آموزش کشور به پایان می‌رسد. متقاضیان برای ثبت‌نام از دوم آذرماه فرصت داشتند که طبق آخرین آمارها تاکنون بیش از ۱۲۵ هزار نفر ثبت‌نام کرده‌اند. هزینه ثبت‌نام در این آزمون ۱۵۰هزار تومان است./ جام‌جم‌دیلی

۴۰۰ تیم پزشکی به دنبال کرونا در محلات

عیسی فرهادی، فرماندار تهران از تشکیل ۴۰۰ تیم پزشکی برای شناسایی بیماران کرونایی در محلات پایتخت خبر داد. وی با اشاره به طرح محله محور شهید سلیمانی گفت: در این طرح قرار است تهران به ۴۰۰ محله تقسیم شود و در هر محله یک تیم پزشکی حضور داشته و دست به کار غربالگری محلی بزنند. با این کار افرادی که به کرونا مبتلا شده‌اند سریع شناسایی شده و نسبت به قرنطینه آنها و خانواده‌هایشان اقدام می‌شود./ ایلنا

مکاتبات اداری باخارج ممنوع‌شد

سازمان امور دانشجویان درباره استعلام مدارک تحصیلی دانش‌آموختگان خارج کشور به روسای دانشگاه‌های سراسری، آزاد، پیام‌نور، علمی-کاربردی، و فنی و حرفه‌ای بخشنامه‌ای ابلاغ کرد. در این بخشنامه آمده است:از آنجایی که ارزشیابی همه مدارک تحصیلی دانش‌آموختگان خارج از کشور در اداره‌کل امور دانش‌آموختگان به‌صورت الکترونیکی انجام می‌شود، بنابراین برای استعلام ارزشنامه‌های دانش‌آموختگانی که پیش‌تر ارزشنامه آنها بدون درج QRCode صادر شده باید به‌پورتال سازمان به نشانی portal.saorg.ir مراجعه و پس از ثبت‌نام اولیه در قسمت خدمات / اداره کل امور دانش‌آموختگان / دریافت کد صحت ارزشنامه‌های قدیمی خارج از کشور، نسبت به اخذ QRCode اقدام کنند./ جام‌جم‌دیلی

اختیارات شوراهای شهر، آب‌رفت



محمدسالاری، عضو شورای شهر تهران با اشاره به کاهش اختیارات شوراهای شهر براساس تصمیم اخیرمجلس گفت:ازاین پس شوراهای شهر به ماشین امضا تبدیل می‌شوند و کاریکاتورنمایشی از پارلمان شهری باقی خواهد ماند.

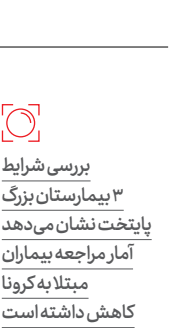
وی افزود: یکشنبه این هفته تصمیمی در مجلس گرفته شدکه با هیچ یک از اصول حکمرانی شهری همخوانی ندارد و رویکردی سراسر تضعیف‌کننده برای نهاد شورا محسوب می‌شود. به گفته سالاری براساس ماده ۵۳ اصلاحیه این قانون از این پس وزارت کشور به جای شوراها نسبت به ابلاغ عناوین، مآخذ و حداکثر نرخ عوارض شهری در کل کشور اقدام خواهدکرد./ جام‌جم‌دیلی

کرونا در تهران سربه زیر شد

نادر توکلی، معاون درمان ستاد مقابله باکرونا استان تهران درباره آمار کرونا در استان گفت: آمارها رو به افزایش نیست و تا حدی نیز رو به کاهش است ولی برای قضاوت در این مورد هنوز زود است و باید یک هفته دیگر صبر کرد. وی افزود دا: قضاوت درباره این که کاهش آمارها تا چه حد به محدودیت‌ها مرتبط است، هنوز زود است زیرا معمولاً دو هفته بعد از آغاز محدودیت‌ها، شاهد تأثیرات آن هستیم؛ البته شاید با گذشت تقریباً یک هفته از آغاز اعمال محدودیت‌ها بتوان تا حدی به آمارها استناد کرد. توکلی درمورد مرگ‌ومیرهای کرونایی در استان پس از اعمال محدودیت‌ها نیز گفت: آمار مرگ‌ومیر روز دوشنبه در استان نسبت به روزهای قبل کاهش داشته، البته تأثیر محدودیت‌ها در میزان مرگ‌ومیر آئی نخواهد بود و این تأثیر طی هفته دوم مشهود خواهد بود./ ایسنا

محیط بان همدانی آزاد می‌شود

جمشید محبت خانی، فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست گفت: سعید مومیوند، محیط‌بان همدانی که به علت درگیری با چند فرد مسلح در منطقه نشر در زندان بود با قرار وثیقه تا فردا آزاد می‌شود. وی افزود: همراه امسال حکم اعدام این محیط‌بان نقض و پرونده برای رسیدگی مجدد به همدان ارجاع شده بود که پس از بررسی مجدد قرار شد وی با قرار وثیقه پنج میلیارد تومانی آزاد شود./ ایرنا



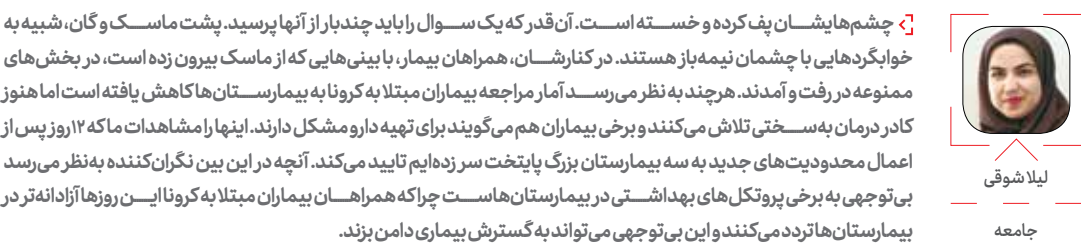
عکس:

فارس



یک آرامش شکننده

۱۲روز پس از اعمال محدودیت‌های جدید به ۳بیمارستان بزرگ پایتخت سر زده ایم تا ببینیم این مراکز درمانی چه شرایطی دارند



چشم‌هایشان پف کرده و خسته است. آن قدر که یک سوال را باید چندبار از آنها پرسید. پشت ماسک و گان، شبیه به خوابگردهایی با چشمان نیمه‌باز هستند. در کنارشان، همراهان بیمار، با بینی‌هایی که از ماسک بیرون زده است، در بخش‌های ممنوعه در رفت و آمدند. هرچند به نظر می‌رسد آمار مراجعه بیماران مبتلا به کرونا به بیمارستان‌ها کاهش یافته است اما هنوز کادر درمان به‌سختی تلاش می‌کنند و برخی بیماران هم می‌گویند برای تهیه دارو مشکل دارند. اینها را مشاهدات ما که ۱۲روز پس از اعمال محدودیت‌های جدید به سه بیمارستان بزرگ پایتخت سر زده‌ایم تأیید می‌کند. آنچه در این بین نگران‌کننده به‌نظر می‌رسد بی‌توجهی به برخی پروتکل‌های بهداشتی در بیمارستان‌هاست چرا که همراهان بیماران مبتلا به کرونا این روزها آزادانه‌تر در بیمارستان‌ها تردد می‌کنند و این بی‌توجهی می‌تواند به گسترش بیماری دامن بزند.



ورودی بخش افراد مبتلا به کرونا، دور از در ورودی اصلی است. برای رسیدن به بخش بستری افراد مبتلا به کرونا، باید از ورودی پارکینگ وارد شد و از کنار ساختمان مدیریت گذشت تا ساختمان نوساز نورانی در انتهای محوطه‌ای خودش را نشان دهد. ساختمان‌که شبیه هیچ کدام از ساختمان‌های بیمارستانی نیست، پنجره‌های بزرگ و هلالی، نورپردازی و ستون‌ها، ساختمان را شبیه کاخی مجلل کرده است. شبیه هتلی لوکس.

در باز می‌شود و سالن پذیرش پر از همراهان بیمار خودش را نشان می‌دهد. سالن انتظار شبیه لابی هتل‌هاست. همه بی‌صدا یا ماسک نشسته‌اند داخل سالن و غرق در افکار خودند. در آسانسور باز می‌شود و مرد میانسالی با پاکت عکس را دیولوی در دست از آن خارج می‌شود.

۱۰شبی می‌شود که پدر همسرش در این بیمارستان بستری شده است، ۱۰شبی که البته برای آنها ۱۸ میلیون تومان خرج برداشته است. او اما از این پرداخت راضی است و می‌خواهد برای بهبود کامل بیمارش، پنج شب دیگر هم اوربستری کند. پنج‌شب‌که البته برایش ۱۰ میلیون هزینه دارد. کنار در هر آسانسور، یک مخزن ضدعفونی‌کننده وصل کرده‌اند. در آسانسور طلایی باز می‌شود، هیچ‌کسی جلوییما را نمی‌گیرد، می‌توانیم به راحتی وارد آسانسور شویم.

آسانسور در طبقه چهار، در یکی از بخش‌ها که به نام شبنم معروف است، می‌ایستد. در بخش باز است. رویه‌روی در، میز بزرگ ایستگاه پرستاران وجود دارد. چهار پنج پرستار نشسته‌اند پشت میز. نگاه می‌کنند به چهره تازه وارد ما و بعد یی اعتنا سری می‌اندازند پایین و به کار خودشان مشغول می‌شوند. به راحتی وارد بخش می‌شویم. اتاق‌ها دو تخته و تخت تخته است. مرد جوانی، خوابیده روی تخت. با دستگاه اکسیژن نفس می‌کشد و با کنترلی که در دست دارد، کانال‌های تلویزیون را جابه‌جا می‌کند. در یکی از اتاق‌ها برای همراه بیمار، تخت

سوالاتی می‌پرسد. چهار پنج نفر توی صف ایستاده‌اند، یکی از مراجعان، پسر جوانی است که پدر پیرش را به بیمارستان آورده است. می‌گوید که قصد ندارد پدرش را بستری کند و تنها می‌خواهد دکتر برایش دارو تجویز کند. پدرش مدام سرفه می‌کند. در شیشه‌ای تریاز باز می‌شود و مرد میانسالی تخت پیرزن را هل می‌دهد بیرون. پیرزن مدام سرفه می‌کند و دست می‌برد به سمت ماسکش و آن را پایین می‌کشد. سردرگمی و استیصال در چشم‌های مرد، دیده می‌شود. مرد میانسال، پیرزن را می‌برد رویه‌روی اورژانس، به جایی که یک اتاق‌ک آکومینیومی گذاشته‌اند.

۱۲-۱۰ تخت با دستگاه ونتیلاتور آتجاست. دو سه پیرزن و پیرمرد روی تخت خوابیده‌اند و دو پرستار پشت ایستگاه پرستاری نشسته‌اند. بخش خلوت است و به نظر می‌رسد مراجعه به این بخش نسبت به هفته پیش کمتر شده است. کنار در ورودی نیمه‌باز، بسته‌های دارو و سرم را

تکلیف تعطیلی‌های کرونایی شنبه مشخص می‌شود

علیرضا رئیس، سخنگوی ستاد ملی مبارزه با کرونا با بیان این که همه محدودیت‌ها تا صبح شنبه آینده قابل اجراست، گفت: برای ادامه تعطیلی‌های کرونایی در شهرهای قرمز، شنبه تصمیم‌گیری می‌شود. وی تأکید کرد: اول آذر ۱۶۰شهر در وضع قرمز(هشدار ۳) قرار داشتند و اکنون ۳۸شهر در این وضعیت هستند. با این حال متأسفانه در ۲۳ شهرستان به علت رعایت نکردن صحیح پروتکل‌های بهداشتی شاهد صعود ابتلا به ویروس کرونا هستیم./ جام‌جم‌دیلی

بیمارستان مسیح دانشجوی غوغای همراهان بیمار

ساختمان آجری دو سه طبقه دبیری می‌کند بعد از بالا رفتن از هر پله. ساختمانی که از پایین دید ندارد و برای رسیدن به آن باید مسیر سربالایی یا صد پله را بالا برویم و بعد برسیم به ساختمان قرمزی که خودش را انداخته است به پای کوه. به ساختمانی که پنج شش بخش دارد و بیماران با شرایط حاد تنفسی یا همان افراد مبتلا به کرونا در آنجا بستری‌اند.

محوطه بیرونی بیمارستان خلوت است و پرندۀ پر نمی‌زند. پشت بیمارستان در کانکس‌های پذیرش، اما شلوغ است. یک آمبولانس ایستاده است جلوی پذیرش. بیمار جدیدی آورده‌اند، بیماری که در کانکس تنفسی در حال گرفتن اکسیژن است و همراهانش هم کارهای بستری‌اش را انجام می‌دهند. راننده آمبولانس می‌گوید که هر روز به‌طور متوسط سه تا چهار بیمار به این بیمارستان می‌آورد. مسؤول پذیرش از بین بیماران و مراجعان راه باز می‌کند و می‌رود به سمت میزش، او می‌گوید: «یک هفته‌ای می‌شود که مراجعه به بیمارستان برای بستری کمتر شده است.» و تأکید می‌کند که حلاً تخت خالی برای بستری بیمار وجود دارد. اینجا بیمارستان مسیح دانشجوی است.

همراهانی که می‌آیند و می‌روند

مامور میانسال انتظامات بدون ماسک ایستاده است دم در ورودی؛ می‌پرسیم، می‌شود رفت داخل بیمارستان؟ می‌گوید که برو و زود بیا و به همین راحتی وارد ساختما می‌شویم. ساختمانی قدیمی که اول از همه پله‌ها به استقبال می‌آید و بعد در بسته‌ای که کد دارد، به در بسته می‌خوریم بعد اما مرد جوانی وارد ساختمان می‌شود و بی‌توجه جلوی در می‌ایستد و در بدون کد باز می‌شود. وارد بخش افراد مبتلا به کرونا می‌شویم. راهرویی باریک پر از کپسول اکسیژن به استقبال می‌آید. جز یکی دو تخت همه تخت‌ها پر از بیمارند. درون اتاق‌ها پسر از همراه بیمار است. درون اتاقی که هر چهار تختش پر است همراهان بیمار نشسته‌اند به گپ‌وگفت، بی‌توجه به پروتکل‌های بهداشتی، در فاصله نزدیک و با ماسک‌هایی که گاهی بالا و پایین می‌شود.

دختر جوانی روی تخت نزدیک به در نشسته است بدون ماسک و با همراهانش که هر سه مردهای جوانی هستند صحبت می‌کند. دختر و همراهانش از یکی از شهرهای غربی آمده‌اند تهران. دختر سابقه بیماری آسم دارد و همین بهانه شده تا در بیمارستان بستری شود.

همراهانش می‌گویند که خدمات رسیدگی به بیماران در این بیمارستان خوب است و به‌خاطر همین هم به این بیمارستان آمده‌اند، هرچند که شوک بزرگی برای آنها در لحظه ورود و به‌وجود آمده است. دختر جوان بیمه نیست و زمانی که خواسته بیمه شود از او خواسته‌اند تا ۲۰۰ هزار تومان برای حق بیمه پرداخت کند. هزینه‌ای که البته با حدود ۲۵۰ هزار تومان تست پی‌سی‌آر، حدود یک میلیون تومان می‌شود.

او می‌گوید که مشکلی برای پرداخت هزینه‌ها ندارد. اما این که مسؤولان سلامت هر روز در رسانه‌ها می‌گویند که افراد مبتلا به کرونا رایگان درمان می‌شوند، خنده‌دار است. صدای سه مرد بالا می‌گیرد سر این که کدام‌شان شب را بمانند پیش خواهرشان. آنها در حال دعوا هستند، دو نفر از برادرها باید در یک مسافرخانه بمانند، مسافرخانه‌هایی که البته این روزها بسته هستند و برادرها مانده‌اند بین زمین و هوا که شب را باید کجا بگذرانند، خوابیدن در خودرو، پنهان‌یک‌ی از برادرهاست.

کمک با جان‌ودل

گان مخصوص پوشیده است، ماسک زده و با دستکش، دور دهان پیرزنی را پاک می‌کند، می‌گوید که دخترش است و برای این که مطمئن شود به مادرش خوب می‌رسند، خودش به عنوان کمک وارد عمل شده و در بیمارستان است. می‌گوید خودش بیماری را گرفته و فقط به خاطر این که مادرش در بیمارستان تحت نظر پزشکی باشد، او را به بیمارستان آورده است.

این جمله را که می‌گوید، راهش را می‌کشد و می‌رود به سمت راهرو و دستمال کثیف را می‌اندازد درون ظرف زباله عفونی. درون اتاق پرستاری، جز دو پرستار و یک کمک‌بهیار شخص دیگری نیست؛ وقتی از آنها درباره کمک همراهان بیمار می‌پرسیم، می‌گویند: «ما در هر شیفت تنها چهار پنج پرستار هستیم و تعداد بیماران هم زیاد است. حداقل ۲۰ بیمار در این بخش داریم که باید به آنها برسیم. بعضی از همراهان می‌خواهند کمک کنند.» و پرستاران خسته، دست رد به سینه هیچ‌کسی نمی‌زنند و از کمک‌شان استفاده می‌کنند. همراهانی که ممکن است به خاطر مراقبت از بیماران شان، بیمار شوند و حتی خود به عنوان ناقل به اعضای خانواده یا دوستان‌شان، بیماری را منتقل کنند. در اتاق کنار پرستاری، نیمه‌باز است. دو نفر از پرستاران در اتاق استراحت نشسته‌اند و چای می‌نوشند. صدای خنده‌شان به بیرون از اتاق می‌آید. مه خودش را انداخته روی سر تهران؛ از این بالا پایتخت در مهی غلیظ محو شده است.



مامور انتظامات اصرار می‌کند: «باید بروم پیش مادرم. حالش بد است.» مامور انتظامات، مدام می‌گوید: «نرو، پشیمان می‌شوی!» بعد از اصرارهای دختر جوان اما نشش به رحم می‌آید و می‌گوید که زنگ بزند به همراهش تا بیاید پایین و بعد او برود داخل بخش بیماران ریوی که افراد مبتلا به کرونا در آنجا بستری‌اند. دختر ۱۹ساله است و با ماسک نازکی صورتش را پوشانده است. می‌گوید که مادرش سه روز است در این بیمارستان بستری شده. دختر آن قدر گریخ است که برای لحظه‌ای ماسکش را از روی صورت برمی‌دارد و دوباره روی صورت می‌گذارد. می‌گوید: «مادرم دیابتی است و به‌خاطر همین در بیمارستان بستری شده است.» به خاطر این‌که در بیمارستان داروی رمدسویور بگیرد؛ هرچند که دختر جوان می‌گوید در سه روزی که مادرش در بیمارستان بستری بوده است، شرکت بخش داروی بیمارستانی، تنها دو بار به داروخانه

بیمارستان دارو رسانده است. این یعنی که یک روز به او سهمیه دارو نرسیده است. حرفش که به اینجا می‌رسد، پسر جوانی نزدیکی می‌شود. حالا دختر جوان باید پیش مادر بیمارانش برود.

یک کاپشن سبزی‌روی گان آبی‌رنگش پوشیده است. ماسکش را پایین کشیده و سیگار می‌کشد. می‌پرسیم که چرا ماسک را پایین کشیده، اگر کرونا بگیرد چه؟ لحظه‌ای نگاه می‌کند و بعد دوباره یک محکم به سیگار می‌زند و می‌گوید: «من یک بار کرونا گرفته‌ام، ولی راستش دوست دارم دوباره بیمارم بشوم.» پرستار است، پرستار بخش مخصوص بستری افراد مبتلا به بیماری کرونا. می‌گوید که با بیماری، حداقل کمی استراحت می‌کند. از شیفت‌های طولانی، از این‌که همه همکارانش به بیماری مبتلا شده‌اند و از این‌که هر روز باید به بیمارستان بیاید و از بیماران بدحال نگهداری کند خسته است. می‌گوید که با بیماری، حداقل می‌تواند کمی از فضای بیمارستان دور باشد. حرفش که به اینجا می‌رسد، دودی که در سینه حبس کرده راه‌ها می‌کند و با پلک‌های سنگین و نیمه‌باز نگاه می‌کند به دودی که رها و آزاد، بالا می‌رود.

در محوطه بزرگ بیمارستان، بیماران و همراهان، بدون ماسک و با ماسک، بیماران‌شان را نا تخت و با ویلچر جابه‌جا می‌کنند. کمک بیماران و پرستاران، سردرگم‌تر از بیماران، در محوطه در حال ترددند. **✎**